



جاسازی تریاک در سقف پراید

قاچاقچی موادمخدر ۲ کیلو تریاک را به طرز ماهرانه‌ای در سقف پراید جاسازی کرده بود اما سگ‌های موادیاب دستش را رو کردند. مأموران پلیس قزوین در جریان بازرسی یک پارکینگ با استفاده از سگ‌های آموزش دیده موادیاب به یک پراید مشکوک شدند و در سقف آن ۲ کیلو تریاک که جاسازی شده بود کشف کردند.

آن سوی مرز

قتل هولناک ۸ نفر

به دلیل نگرقتن دیپلم



عامل حمله خونین به کالجی در شرق چین، دانش آموز ۲۱ ساله‌ای بود که وقتی در امتحانات نهایی رد شد و نتوانست دیپلم بگیرد، با چاقو راهی کالج شد و ۸ دانش آموز را به قتل رساند و ۱۷ نفر را زخمی کرد.

به گزارش همشهری به نقل از رسانه‌های چین، این حادثه خونین بعد از ظهر ظهر شنبه در کالج فنی و حرفه‌ای شهر ووکسی در شرق چین رخ داد.

بنابر اعلام پلیس، دانش آموز ۲۱ ساله‌ای با نام خانوادگی «خو» که امسال قرار بوده از این کالج فارغ التحصیل شود، پس از رد شدن در آزمون نهایی و عدم موفقیت در گرفتن دیپلم، عصبانی شده و با چاقو به دیگر دانش آموزان حاضر در کالج حمله کرده و ۸ نفر از آنها را به قتل رسانده است. در جریان حمله خونین او، ۱۷ دانش آموز نیز زخمی شدند که به مراکز درمانی منتقل شدند.

پلیس همچنین گفت که عامل این جنایت هولناک که پس از حمله به دانش آموزان در محوطه کالج و در میان درختان مخفی شده بود از سوی پلیس دستگیر شده و به حمله به دانش آموزان کالج اعتراف کرده است.

در همین حال در شبکه‌های اجتماعی چین تصاویری از این حمله مرگبار منتشر شده که برخی از دانش آموزان را در حالی که غرق در خون روی زمین افتاده‌اند نشان می دهد. یکی از مملعان کالج در صفحه شخصی خود نوشت: پس از حمله «خو» بسیاری از دانش آموزان تلاش کردند با قرار دادن مینز و صندلی‌ها در مسیر راه او مانع از پیشروی وی شوند. بعضی‌ها در کلاس‌ها پنهان شدند و در ایستند و خیلی از دانش آموزان موفق به فرار شدند اما برخی از آنها هدف ضربات چاقو قرار گرفتند.

گفته می‌شود که عامل این جنایت پیش از حمله به کالج یادداشتی در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرده که در آن نوشته بود: «به دلیل اینکه نتوانستم دیپلم بگیرم، مسئولان کارخانه‌ای که در آنجا کار می‌کنم، دستمزد مرا پرداخت نکردند و از بیمه کردن من خودداری و همه مزایایم را قطع کردند. من ترجیح می‌دهم بمیرم تا اینکه مورد این ظلم و استعمار قرار بگیرم. می‌دانم که مدرسه عمداً از دادن دیپلم به من خودداری کرده و امیدوارم مرگ من باعث بهبود قوانین کار شود.»

انتظلی

دستگیری آدم‌ربایان پاکستانی

در تهران



۳مرد پاکستانی که خود قربانی آدم ربایان افغان شده بودند، برای انتقامجویی دست به آدم ربایی زدند. به گزارش همشهری، حدود ۳ماه قبل ۳ جوان افغان که برای پیدا کردن کار به ایران آمده بودند با مرادی به نام احمد، آشنا شدند. احمد قرار بود برای آنها کار پیدا کند اما ۳ جوان افغان را به باغی در اطراف تهران کشاند و با کمک همدستانش آنها را گروگان گرفت. شرط آدم ربایان برای آزادی گروگان هایشان، دریافت ۱۰ هزار دلار از دیجیتال بود. پس از ۸ روز، خانواده گروگان‌ها این مبلغ را پرداخت کردند و هر دو جوان افغان آزاد شدند. با شکایت آنها پلیس وارد ماجرا شد. تحقیقات نشان می‌داد که آدم‌ربایان ۳مرد پاکستانی هستند که به بهانه پیدا کردن کار، مهاجران افغان را گروگان گرفته و از خانواده‌هایشان اخاذی می‌کنند. با این اطلاعات مخفیگاه آنها شناسایی و یکی از متهمان دستگیر شد.

انتقامجویی

متهم که اهل پاکستان است اعتراف کرد که با همدستی ۲نفر از اقوامش، نقشه گروگانگیری و اخاذی از افغان‌ها را کشیده‌اند. وی گفت: من و ۲نفر از دوستانم چند سال قبل قاچاقی به ایران آمدیم و در جست‌وجوی کار بودیم اما چند مرد افغان به بهانه استخدام، ما را ربودند و در خانه‌ای زندانی‌مان کردند. آنها ما را شکنجه می‌دادند و مجبورمان کردند با خانواده یا دوستانمان تماس بگیریم و دلار تهیه کنیم. هر چند بعد از ۲ هفته آزاد شدیم اما بدهی سنگینی به‌خاطر اخاذی گروگانگیران بالا آوردیم. ناچار شدیم دوباره به پاکستان برگردیم اما همچنان دلمان پر از کینه بود تا اینکه چند وقت قبل نقشه کشیدیم که قاچاقی به ایران سفر کنیم و نقشه گروگانگیری و اخاذی از افغانی‌ها را اجرا کنیم اما در نهایت لو رفتیم. با اعتراف این متهم، مأموران ۲ همدست وی را دستگیر کردند و تحقیقات تکمیلی در این پرونده توسط کارآگاهان پلیس آگاهی تهران ادامه دارد.

گزارش فتنه‌احدی روزنامه‌نگار

نیسان حامل سوخت واژگون شده بود و در آتش می‌سوخت. راننده داخل کابین گرفتار شده بود و فقط چند قدم با مرگ فاصله داشت. در همین هنگام بود که روح‌الله پور کایسد، مرد فداکار لرستانی اتفاق افتاد، می‌گذرد. او پس از نجات راننده نیسان، بر اثر سوختگی زیاد راهی بیمارستان شد و چند روزی تحت درمان بود و حالا با دست و صورتی پانداز شده و آثار سوختگی شدید روی گونه‌ها و صورتش از روزی می‌گوید که بزگ ترین تصمیم زندگی‌اش را گرفت؛ یعنی نجات یک انسان در قیمت به خطر افتادن زندگی‌اش.

مهر ایران و پدر ۲ دختر و یک پسر.

روح‌الله اهل پلدختر است؛ شهری در جنوب استان لرستان که ماجرای فداکاری‌اش در روزهای اخیر بازتاب زیادی در فضای مجازی داشته و حالا همه اهالی شهر او را می‌شناسند. او ۴۲ ساله است و کارمند بانک قرض‌الحسنه مهر ایران و پدر ۲ دختر و یک پسر.

روح‌الله در گفت‌وگو با همشهری می‌گوید: آن روز برای انجام کاری راهی اندیمشک شده بودم. ساعت ۴:۳۰ عصر بود و در جاده اندیمشک -پلدختر در حرکت بودم. جلوی من یک تریلی بود و من روپسه‌روا نمی‌دیدم. وقتی تریلی از من فاصله گرفت، در لاینی که در حرکت بودم، ناگهان نیسانی را دیدم که درست روبه‌رویم بود. نیسان وارد لاین من شد و قصد سبقت از خودروی مقابلش را داشت. به قدری هم‌چیز در یک چشم-برهم زدن اتفاق افتاد که حتی نتوانستم خودرو را به‌سوی دیگری از



زن نیشابوری فرشته نجات بیمار شد

اعضای بدن زنی که بر اثر حادثه، دچار مرگ مغزی شده بود به ۵بیمار نیازمند زندگی دوباره داد. این زن ۵۴ساله که معصومه باغشینی نام داشت و اهل نیشابور بود، چند روز قبل دچار مرگ مغزی شد. پس از آن بود که با رضایت اعضای خانواده‌اش کلیه‌ها، کبد و قرنیه‌های او به ۵بیمار نیازمند هدیه شد.

«روح‌الله پور کاند» در آتش دچار سوختگی شد اما توانست جان راننده‌ای را نجات دهد

فرشته‌ای در آتش



جاده منحرف کم

و ناگهان با هم برخورد کردیم. او ادامه می‌دهد:

شدت برخورد به حدی بود که من از داخل

ماشینم که پژو پارس بود،

به بیرون پرت شدم. برای لحظاتی

نمی‌دانستم چه اتفاقی افتاده است. بندم در اثر

برخورد شدید با زمین دردمی کرد. همان لحظه صدای یک انفجار و فریادهای فردی را شنیدم.

مردی در آتش

روح‌الله به سختی از روی زمین بلند شد. نیسانی که با خودروی او برخورد کرده بود، در نزدیکی جاده واژگون شده بود و در آتش می‌سوخت. نیسان حامل سوخت و مواد اشتعال‌زا بود و همین باعث شده بود که هر لحظه شعله‌های آتش بیشتر شود. مرد فداکار می‌گوید: صدای فریادی که شنیدم، صدای راننده نیسان بود. با التماس کمک می‌خواستم. او داخل کابین ماشین گیر افتاده بود. به‌سوی او رفتم. درهای نیسان بسته شده بود و راننده نمی‌توانست خارج شود. نیسان پر از گالن‌های سوخت

بود که یکی بعد

از دیگری آتش می‌گرفتند.

پور کاند ادامه

می‌دهد: فرصت

زیادی نداشتم. هر

لحظه امکان انفجار کامل

نیسان و آتش گرفتن آن وجود

داشت. تصمیم گرفتم هر طوری شده راننده

را نجات بدهم. سبراح در ماشین رفتم. با چند

ضربه توانستم در نیسان را باز کنم و راننده را

بغل کردم تا او را بیرون بکشم اما تازه متوجه

وخامت اوضاع شدم.

نجات معجزه‌آسا

در لحظات نفسگیری که مرد فداکار در تلاش

برای نجات راننده نیسان بود، متوجه شد باهای

راننده نیسان زیر صندلی گیر کرده است و

نمی‌تواند او را بیرون بیاورد.

او می‌گوید: چند راننده‌دیگر که متوجه این

تصادف شده بودند، برای کمک نزدیک شدند

اما حرارت آتش به حدی بود که آنها را به عقب

می‌راند اما من تصمیم داشتم که راننده را نجات

دهم حتی اگر جان خود را از دست بدهم.

دام طلاساز ورشکسته در سایت همسریابی

وقتی مرد طلاساز قربانی اعتماد به شریک شد و همه سرمایه‌اش را از دست داد، برای جبران ضررش نقشه فریب و سرقت از زنان در سایت همسریابی را کشید.

به گزارش همشهری، اواخر شهریور امسال زن جوانی نزد مأموران پلیس رفت و گفت در دام یک خواستگار شیاد گرفتار شده است. وی توضیح داد: چند وقت قبل

با جوانی به نام سام در سایت همسریابی آشنا شدم. او می‌گفت کارخانه‌دار است و وضع

مالی خیلی خوبی دارد. در صفحه

اینستاگرامش عکس‌هایی بود که

او را در خانه‌های مجلل و اعیانی

نشان می‌داد. وقتی برای ملاقات با

ش فرار گذاشتم، با ماشین مدل

بالا به دیدنم آمد و همه اینها باعث

شد که به او اعتماد دارم. من مدیر بخش

تیلیفات یک شرکت خصوصی هستم

که به تازگی از همسرم جدا شده‌ام و وضع

مالی خوبی دارم؛ به همین دلیل بعد از مدتی که سام

به من پیشنهاد ازدواج داد، قبول کردم. او یک روز با من تماس گرفت و گفت که مادرش از ایتالیا به ایران برگشته و می‌خواهد مرا ببیند. آن روز سام سوار بر یک بنز به دنبالم

“**در حالی که تحقیقات پلیس برای دستگیری متهم ادامه داشت، یکی از شاکیان اتفاقی او را در خیابان دید و به فرارش پایان داد**”

مرد بازنده

گفت و گو

خواستگار قلابی، مردی طلاساز است که لیسانس مدیریت دارد. وی تا همین یک سال قبل وضع مالی خیلی خوبی داشت تا اینکه یک روز دوستش که از فضا شریک کاری‌اش هم بود، کلاه‌گشادی سرش گذاشت و مرد جوان تبدیل به یک ورشکسته شد. او که خودش را بازنده می‌داند، تصمیم گرفت با دردنیای تبهکاران بگذارد. گفت‌وگو با او را می‌خوانید.

پرونده‌ات نشان می‌دهد نخستین باری است که بر تکب جرم شده‌ای؟
من این کاره نبودم. درس خوانده‌ام و در زندگی زحمت زیادی کشیده‌ام، اما باخت‌ام. به نزدیک‌ترین دوستم، شریک کاری‌ام باخت‌ام. بهتر بگویم به اعتماد بیجای خودم باخت‌ام.

چه اتفاقی افتاد؟

من و شریکم یک کارگاه طلاسازی در تهران داشتیم. وضع مالی‌ام را توپ تکان نمی‌داد. ماشین مدل بالا زیر پایم بود و لوکس‌ترین آیرن تمان‌ها را اجاره می‌کردم، اما شریکم خیمات بزگی در حرم کرد. شریکم که درواقع بهترین و قدیمی‌ترین دوستم بود، پیشنهاد خرید چندین شمش طلا را داد. هر چه سرما به داشتم را به حساب او واریز کردم به امید اینکه قرار است به سود آنچنانی برسیم، اما شریکم نه تنها سرما به‌ام را، بلکه هر چه طلای خام در کارگاه داشتیم را یک‌شبه برداشت و فراری شد. انتظار که شنیدم به امریکا یا کاتاندا رفته است. من دستم به او نرسید و تا چندماه در بیمارستان‌های مختلف بستری شدم و تا یک قدمی فرقی پیش رفتم.

چون تبدیل به مال‌بخته شدی، پایت به دنیای مجرمان باز شد؟ دستم به جایی بند نبود. رسیدم به زیر سفر. هر چه رسته بودم پنبه شده بود. باید

مرد فداکار ادامه می‌دهد: من متوجه فرمز

شدن دستانم شده بودم، حتی گرمای آتش را روی صورتم نیز احساس می‌کردم اما فکرمش

را نمی‌کردم که تا چه حد بدنم سوخته است. بعدا متوجه شدم که از ناحیه صورت و دست و

پا دچار سوختگی شدید شده‌ام. در آن لحظه،

فقط به راننده نیسان فکر می‌کردم. مدام

التماس می‌کرد که «مرانجات بده». درحالی‌که

در حال بیرون کشیدنش بودم به او گفتم اگر

می‌توانی خودت هم تلاش کنن تا بتوانم تو را

بیرون بکشم، همان موقع واقعا معجزه‌های رخ

داد. در آن آتش سبوزان ناگهان پای راننده از

زیر صندلی بیرون آمد. همان موقع چند راننده

دیگر هم به ما رسیدند و او را بیرون کشیدیم.

او می‌گوید: بعد از اینکه او نجات پیدا کرد،

پلیس، آتش‌نشانی و اورژانس در محل حادثه

رسیدند و ما برای مداوا به بیمارستان منتقل

شدیم.

مرد فداکار می‌گوید: اکنون حال جسمی هر

دوی ما خوب است. راننده نیسان که ۳دختر

کوچک دارد با من تماس گرفت و گفت که حتی

اگر هنگام کمک به او باهایش را هم از دست

می‌داد باز هم از من ممنون بود. هر دو راننده

بعد از چند روز بستری در بیمارستان به خانه

برگشتند و هرگز حادثه‌ای را که باعث دوستی

میان آنها شد، فراموش نمی‌کنند.

دوشنبه ۲۸ آبان ۱۴۰۳ - شماره ۹۲۵۸



صفحه‌آر اعلیر ضایه‌پرامی

داخلی

دانش آموز ۱۰ساله سکه‌های طلا را به

صاحبش برگرداند



پسر دانش آموزی که در یک کوچه ۳۸ربع‌سکه پیدا کرده بود وقتی در فضای مجازی آگهی گم شدن سکه‌ها را دید آنها را به صاحبش برگرداند. به گزارش همشهری، این دانش آموز ۱۰ساله که دیار فتخی نام دارد و کلاس چهارم شهر هوماان تخت سرآو آباد واقع در استان کردستان است، شنبه گذشته هنگام عبور از یک کوچه بسته‌ای را پیدا می‌کند. دیار وقتی بسته را باز می‌کند داخل آن تعداد زیادی سکه طلا می‌بیند و بسته را با خود به خانه می‌برد. او چیزی را که با چشمانش می‌دید باور نمی‌کرد. درون بسته ۳۸ربع‌سکه طلا قرار داشت اما او نمی‌دانست که سکه‌های طلا متعلق به چه کسی است. دیار در این باره با هیچ‌کس صحبت نمی‌کند و پروش سرآوآباد در این باره گفت: فردی که این سکه‌ها را به ما تحویل داد، در این شرایط بود که دیار با شماره تلفنی که در این اطلاعیه آمده بود تماس می‌گیرد و در نهایت سکه‌ها را به صاحبش برمی‌گرداند. محمدعلی جهانی، مدیر آموزش و پرورش سرآوآباد در این باره گفت: فردی که این سکه‌ها را گم کرده بود، با درج آگهی در فضای مجازی، منتظر دریافت خبری از اموال گمشده خود بود که یک‌ساعت بعد، دیار فتخی از پیدا شدن آن خبر داد و سکه‌ها به صاحبش برگشت. او ادامه داد: ارزش این تعداد ربع‌سکه حدود ۵۰۰میلیون تومان بود.

دستگیری عامل فیلمبرداری

از قتل پزشک قلب

عروزی پس از جنایت هولناکی که در جریان آن پزشک متخصص قلب در یاسوج به قتل رسید فردی که از این حادثه ساعت ۲۳ شامگاه دوشنبه ۲۱آبان‌ماه امسال د‌کتر مسعود داوودی، متخصص قلب و عروق در مقابل منزل شخصی‌اش واقع در منطقه رجای یاسوج به قتل رسید. برادر عامل قتل، از بیماران این پزشک بود که مدتی قبل بر اثر بیماری قلبی جانش را از دست داده بود و قاتل، د‌کتر داوودی را در مرگ برادرش مقصر می‌دانست. او در این جنایت د‌کتر را با شلیک گلوله و ضربات چاقو به قتل رساند و بعد از فرار نیز با انتشار تصویری از خودش در فضای مجازی قتل را گردن گرفت و مدعی شد که از کاری که انجام داده پشیمان نیست. چند ساعت پس از این جنایت بود که مأموران پلیس، قاتل فراری را در مخفیگاهش دستگیر کردند. با وجود دستگیری قاتل فراری، شناسایی فردی که از محنه قتل د‌کتر فیلمبرداری کرده بود در دستور کار قرار گرفت و سرانجام پس از غورز این فرد نیز شناسایی و دستگیر شد. سیدوحید موسویان، دادستان یاسوج در این باره گفت: انتشار هر گونه تصویر یا فیلم یا نوشته یا به‌طور کلی هر چیزی که عفت و اخلاق عمومی را ارجیحه‌دار کند، جرم است و با مجازات روانی جامعه برخورد قضایی قاطع می‌شود. به همین دلیل با رصد و پیگیری صورت‌گرفته در فضای مجازی توسط دادستانی مرکز استان تپگیلیو به‌ویوبر احمد، پس از انتشار کلیپ تهیه‌شده از صحنه قتل مر حوم مسعود داوودی، مرت‌تکب شناسایی و بازداشت‌شده. او ادامه داد: تحقیقات در زمینه پرونده قتل د‌کتر داوودی نیز در جریان است.

مسمومیت ۶نفر

در پی نشت کپسول گاز



نشت گاز کلر از تریلی‌ای در یک جاده، موجب مسمومیت ۶نفر از ساکنان منطقه شد. به گزارش همشهری، این حادثه ساعت ۱۳:۴۰دقیقه ظهر دیروز (یکشنبه) در ۱۷ کیلومتر ۱۷ محور شهدا - آباده اتفاق افتاد. ماجرا از این قرار بود که یک دستگاه کامیون حامل گاز کلر در حال حرکت در جاده بود که بنا به دلایل نامعلومی گاز کلر از مخزن روی کامیون نشت کرد. شدت این حادثه به‌حدی بود که برای دقایقی گاز آن محدوده را فراگرفت و جاده برای دقایقی مسدود شد. منصور شیشه‌فروش، مدیر کل ستاد مدیریت بحران استانداری اصفهان درباره این حادثه گفت: نشت گاز کلر از کپسول تریلی حامل این مواد، موجب مسمومیت ۶نفر شد. او ادامه داد: این ۶نفر که اهل مناطق مجاورند و دچار مسمومیت تنفسی شده بودند توسط تیم‌هایی از اورژانس و هلال‌احمر به مراکز درمانی انتقال یافتند و این حادثه هیچ مورد فوتی‌ای نداشت. او در ادامه گفت: به‌دنبال وقوع این حادثه تیم مدیریت بحران شهرستان شهرضا به همراه هلال‌احمر، آتش‌نشانی، اهداری، پلیس راه و نیروی انتظامی در محل حاضر شدند و منطقه ایمن‌سازی شد.